

بازخوانی مفهوم تضاد در ارتقا تنوع بصری فضاهای عمومی شهری نمونه موردی: میدان بهارستان تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۷/۳۱

سید علیرضا ارباب زادگان هاشمی* - احسان رنجبر**

چکیده

موضوع کیفیت فضاهای عمومی شهری یکی از نقاط تمرکز پژوهش‌های اخیر طراحی شهری بوده و تلاش در جهت ایجاد فضای عمومی شهری که رضایت شهروندان در وجوه مختلف را جلب نماید، به عنوان یکی از راهبردهای اصلی پروژه‌های طراحی شهری مطرح شده است. به نظر می‌آید در این میان کیفیت بصری فضا به علت تعامل دیداری مستقیم با چشم انسان یکی از نخستین گام‌های درک خوشایندی فضا توسط شهروندان می‌باشد. در مبانی طراحی شهری این موضوع با زیبایی‌شناسی بصری فضاهای عمومی شهری همراه می‌شود و مفاهیم پایه‌ای همچون تناسب، تباین، هماهنگی، تضاد و ... در این ارتباط مطرح می‌شوند. در میان این مفاهیم تباین و تضاد از ابهام بیشتری نسبت به بقیه برخوردار بوده و نوع استفاده از آن‌ها می‌تواند بر آیندهای مختلفی را به همراه داشته باشد. به نوعی می‌توان گفت بین درجه‌های انتهایی تباین و درجات ابتدائی تضاد یک همپوشانی ایجاد می‌شود. با وجود آن که در ظاهر واژه تضاد بار منفی به ذهن متبادر می‌شود ولی هنگامی که این موضوع در طراحی شهری مطرح می‌شود چگونگی استفاده از آن است که می‌تواند منفی یا مثبت باشد. نگاه به اغلب فضاهای شهری شاخص بیانگر این مطلب است که در عمده این فضاها درجه‌ای از تضاد وجود داشته است. تاریخ طراحی شهری در ایران دارای گنجینه‌ای از تجربه‌های غنی استفاده هوشمند از تضاد در فضاهای شهری است. در تاریخ معماری و شهرسازی قرن بیستم نیز موضوع پیچیدگی و تضاد یکی از مهم‌ترین نقدهای پست مدرنیسم بر دوران مدرنیسم بوده است. با توجه به یکنواختی حاکم بر سیمای فضاهای عمومی شهری در شهرهای امروزی ایران به نظر می‌آید می‌توان از پتانسیل‌های تضاد در ایجاد تنوع بصری بیشتر بهره برد. میدان بهارستان تهران یکی از بارزترین نمونه‌هایی است که با وجود داشتن این پتانسیل غنی از تضاد به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته و جایگاه این تضاد در زیبایی‌شناسی فرمی میدان به خوبی تحلیل نشده است. این امر خود زمینه ساز عدم وجود یک انجام بصری و عدم ادراک بصری مناسب شده است. این مقاله با تکیه بر روش تحقیق توصیفی و گردآوری اطلاعات به روش میدانی و مشاهده‌ای ابتدا به تعاریف تضاد و تباین و درجه‌های آن‌ها پرداخته، سپس رابطه بین پیچیدگی و تضاد با جالب بودن و دلپذیر بودن فضاهای عمومی شهری را در تحلیل میدان بهارستان مورد بررسی قرار می‌دهد.

مجموع تحلیل‌ها در بازخوانی مفهوم تضاد در میدان بهارستان حکایت از آن دارد که تجربه طراحی دوره‌های مختلف تاریخی در مهم‌ترین عناصر ساختار بصری میدان بهارستان یعنی مجلس ملی، مسجد سپهسالار و مجلس شورای اسلامی سبب ایجاد صحنه‌ای از همنشینی این عناصر در یک تضاد مثبت دارد و فضای باز میدان بهارستان به نوعی روایتگر این تابلوی تنوع بصری است. توجه به این پتانسیل یکی از مهم‌ترین گام‌ها در ارتقا تنوع بصری میدان بوده که در ارتباط با ارتفاع جداره‌ها و عناصر ارتفاعی میدان می‌باشد. این پتانسیل تضاد می‌تواند به درون میدان نیز رسوخ کرده و در طرح‌های ساماندهی میدان با استفاده از تضاد در کف، بدنه و میلمان در همراهی با تضاد موثر عناصر فرمی میدان در راه دستیابی به هویت خاص میدان بهارستان گام برداشت.

واژگان کلیدی:

تضاد، تباین، تنوع بصری، دلپذیری، میدان بهارستان.

Email: alirezaaah@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

Email: e_ranjbar61@yahoo.com

** مدرس گروه طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

تحقیقات روانشناسی اخیر نشان داده است که حیوانات و انسان‌ها در میدان بصری خود شکل‌های پیچیده را ترجیح می‌دهند، توجه به پیچیدگی‌های محیط سبب درگیری بیشتر ذهنی ناظر با محیط و به دنبال آن ارتباط بیشتر خواهد شد. یک محیط یکنواخت جذابیتی برای سکون، توجه، تعمق و به دنبال آن تعامل را ندارد. با توجه به آنکه نخستین درجه تعامل در یک محیط تعامل بصری است لذا می‌توان از پتانسیل‌های پیچیدگی و تضاد در این راه بهره برد. باید خاطر نشان کرد که بین تشابه کامل تا تضاد کامل طیف‌های مختلفی را می‌توان متناسب با بستر تشخیص داد؛ استفاده از این درجه‌ها و طیف‌ها می‌تواند بار منفی یا مثبت داشته باشد. با وجود اینکه در ظاهر واژه تضاد بار منفی به ذهن متبادر می‌شود، وقتی این موضوع در طراحی شهری وارد می‌شود به عنوان مفهومی مطرح می‌شود که نوع استفاده از آن می‌تواند برآیند مثبت یا منفی داشته باشد. به عنوان مثال تضاد یک نشانه شهری با بستر آن نقش موثرتری در ویژگی نشانه بودن آن دارد. نگاه به اغلب فضاهای شهری شاخص بیانگر این مطلب است که در عمده این فضاها درجه‌ای از تضاد وجود داشته است. تباین و تفاوت‌ها در فرم، تنوع در فعالیت‌ها و ... در فضاهای عمومی شهری را می‌توان در درجات مختلف تضاد مورد بررسی قرار داد. توجه به این نکته زمینه ساز یکی از انتقادات بر مدرنیسم در معماری و شهرسازی و به دنبال آن ظهور مفهوم پیچیدگی و تضاد به عنوان یکی از شاخصه‌های پست مدرنیسم به شمار می‌رود. مقایسه فضاهای عمومی شهری دوره مدرنیسم با نمونه‌های طراحی پس از آن به وضوح تفاوت‌ها در چگونگی استفاده از تضاد را نمایانگر می‌کند. بدیهی است که در دوره مدرنیسم به دنبال استفاده از یکنواختی بیش از حد در مقابل تضاد، میزان جذابیت بصری چشمگیر نبوده است. این امر را در نمونه‌های طراحی پیشگامان مدرنیسم همچون لوکوربوزیه در طراحی شهر چندینگر می‌توان مشاهده کرد.

با توجه به یکنواختی حاکم در سیمای شهری شهرهای معاصر ایران، به نظر می‌آید از پتانسیل‌های تضاد می‌توان در بهبود کیفیت بصری و افزایش دلپذیری فضاهای عمومی شهری بهره برد. البته باید خاطر نشان ساخت چگونگی استفاده از این فضا باید به نحوی باشد که وحدت کلی فضا را تحت تاثیر قرار نداده و در چارچوب معیارهای زیبایی‌شناسی فضاهای عمومی شهری تعریف شود.

این مقاله بر آن است با بررسی میدان بهارستان به عنوان نمونه‌ای که در وضع موجود آن پتانسیل‌های تضاد نهفته است، در راستای چگونگی استفاده از این مفهوم در بهبود کیفیت بصری این میدان گام بردارد.

۱. تضاد، مفاهیم مرتبط و درجه‌های آن

واژه تضاد زمانی معنا پیدا می‌کند که رابطه یک عنصر خاص با دیگر عناصر مورد بررسی قرار گیرد. "تضاد" به این معنی است که آنچه ساخته می‌شود به عمد خود را از محیط اطراف جدا کرده به عنوان "چیز دیگر" خود را نشان می‌دهد. در دیدگاه نظریه اطلاعات "چیز دیگر بودن" به معنی غیرمنتظره بودن است یا بداعت. هر چیز بدیعی باید حداقل ارتباطی با چیزهای قبلی (زمینه) داشته باشد تا پیام آن قابل درک باشد. به این معنی که بر خلاف کوشش طراح در چیز دیگر بودن نقش، بایستی عواملی از زمینه در نقش حفظ شده باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۲۹). در کنار تضاد مفاهیم دیگری همچون تقابل، تباین، تجانس و اختلاف مطرح می‌شوند که می‌توان متناسب با نوع استفاده، آن‌ها را به عنوان درجه‌هایی از تضاد به شمار آورده و تضاد در کنار این مفاهیم ماهیت خود را بیشتر آشکار می‌کند.

"تقابل" را می‌توان نوع خاصی از تضاد دانست ولی بایستی به یک تفاوت اصلی بین آن‌ها نیز توجه داشت. در تضاد بین نقش و زمینه نوعی تفاوت وجود دارد. حال آنکه در تقابل نه فقط تفاوت بلکه نقش به مقابله با زمینه می‌پردازد. در اینجا نقش به عمد در مقابله با زمینه قرار می‌گیرد و می‌توان گفت علیرغم ارتباط موجود هر کدام از آن‌ها "زبانی" برای خود دارند (گروتز، ۱۳۵۷: ۱۵۷).

"تجانس" به معنای همجنس بودن نقش و زمینه می‌باشد. به این معنا که نقش زبان زمینه یا محیط را پذیرفته است. در تجانس نقش تابع زمینه است و عنصر جدید نوعی شبیه سازی عناصر موجود در زمینه می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در هر سه گونه رابطه (تجانس، تضاد، تقابل) نقش و زمینه بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. هرچه نقش خودش را بیشتر از زمینه جدا کند، این اثر افزون‌تر است. در تجانس زمینه تسلط غالب دارد و نقش است که از زمینه تبعیت می‌کند. در

حالت تضاد، زمینه و نقش با یکدیگر اختلاف دارند ولی هر دو کنار هم قرار دارند بی آنکه یکی بر دیگری غلبه داشته باشد. در حالت سوم (تقابل) نقش در مقابل زمینه ایستاده است و تسلط خود را بر زمینه اعمال می‌کند. به نوعی می‌توان تضاد را حد وسط تقابل و تجانس مطرح کرد. این حالت بینابینی بودن تضاد دقت بیشتری را در نحوه استفاده از آن می‌طلبد. به زبانی می‌توان گفت به راحتی نحوه استفاده از تضاد می‌تواند برآیند بصری را به سمت تجانس یا تقابل سوق دهد. هر چند که باید خاطر نشان کرد در این حرکت به دو سوی تضاد درجات متفاوتی را می‌توان برشمرد.

"تباين" در لغت به معنی تفاوت و فرق میان دو چیز است. تباین در ارتباط یک پدیده با زمینه‌اش یا یک پدیده با پدیده‌های مجاورش آشکار می‌شود و از عدم تقلید و عدم تکرار شروع شده و تا درجات نامتناهی از تغییر و تحریف پیش می‌رود.

تباین باعث می‌شود که هر پدیده‌ای از پدیده‌های کناریش تفکیک شود و برای ایجاد یک محیط شهری جالب و سرزنده لازم است. تباین در دو حالت قابل بررسی است: یکی در رابطه هر فضای شهری با فضای شهری مجاورش و دیگری در رابطه بین اجزای یک فضای شهری (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۴۰). تباین یکی از اصول پرکاربرد در طراحی شهر ایرانی بوده است. "تفاوت" در مورد چند پدیده که در اساس با هم موافق‌اند، اما در جزئیات و ویژگی‌های افزوده با هم اختلاف جری دارند بکار گرفته می‌شود؛ مانند: «تفاوت در اندازه، مصالح، رنگ، نور و...» تمایز هویتی: همان مفهوم تفاوت نزدیکی زیادی به تباین دارد و به نوعی می‌توان آن را واژه‌های دیگر در ارتباط با یک مفهوم دانست.

"اختلاف" در مورد چند پدیده که در بنیان و اساس با هم فرق دارند بکار گرفته می‌شود؛ یعنی دو نوع از هم متمایزند. تمایز ماهیتی: مانند اختلاف میدان و فلکه. مفهوم اختلاف در ماهیت‌های کلی و مفاهیم غیر کالبدی بیشتر مشخص می‌شود.

نگاه به مفاهیم فوق نشان می‌دهد که تضاد از مرز تباین می‌گذرد و به نوعی دو پدیده از هم مستقل می‌شوند ولی تا مرز تقابل هم پیش نمی‌رود. به نظر می‌آید که در بررسی کیفیت‌های بصری این سه مفهوم در کنار تجانس و تشابه و چگونگی استفاده از آن از ارزش‌های فراوانی برخوردار است.

درک و شناخت ماهیت و محدودیت‌های تباین و تضاد، کلید اصلی استفاده از آن‌ها به نفع فضای شهری است و نه بر علیه آن‌هاست. تضاد و تباین باید محتاطانه بکار گرفته شود. اگر از آن به درستی استفاده شود می‌تواند مرکزیت و ویژگی‌های خاص به فضاها بخشد و اگر بی‌محبا از آن استفاده شود، موجب از بین رفتن نظم و ایجاد اغتشاش می‌گردد (هدمن، ۱۳۷۰: ۳۲).

تباین و ناهمگونی می‌تواند جالب و هیجان‌انگیز بوده و در شرایط خاص مناسب باشد. ساختمان‌های مهم شهری معمولاً با طرح و نحوه قرارگیری خاص از سایر ساختمان‌ها متمایز می‌گردند تا براهمیت آن‌ها تاکید شده باشد. اما به طور کلی ساختمان‌های مسکونی و فضاهای تجاری به این صورت متمایز نمی‌گردند. دلیل عملی این نوع طراحی آن است که چند ساختمان خاص تاکید و تمرکز بصری بوجود می‌آورند. اما اگر همه ساختمان‌ها با هم متفاوت و متباین باشند، نتیجه هرج و مرج و اغتشاش بصری است (هدمن، ۱۳۷۰: ۱۸).

تمایز و تشخیص بین درجه انتهایی تباین و درجه‌های ابتدایی تضاد کمی مشکل به نظر می‌رسد. به نوعی می‌توان گفت در این فاصله تباین و تضاد همپوشانی پیدا می‌کنند. به نظر می‌آید این مساله وابسته به بستر طراحی، فرهنگ، ویژگی‌های اقلیمی و ... می‌باشد. شاید بتوان بر اساس میزان تمرکز بصری ناظران فضا و به اندازه‌گیری بار بصری بتوان این دو مفهوم را از هم متمایز کرد. به هر صورت هر دو این مفهوم زمانی واجد ارزش هستند که در مسیر انسجام بصری فضا قرار گیرند.

۲. بررسی رابطه بین تضاد (پیچیدگی) و جالب بودن و لذت

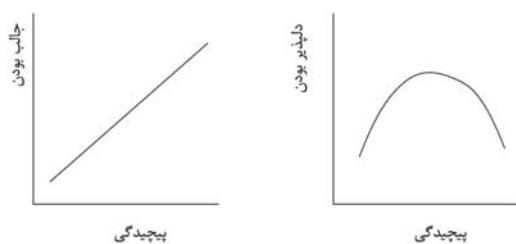
پیچیدگی یکی از مظاهر تضاد است که همواره در مقابل یکنواختی و سادگی موضوع مورد بحث در معماری و شهرسازی بوده است. عمده مطالعات در حوزه پیچیدگی، تضاد و یکنواختی در قالب زیبایی‌شناسی فرم مورد بررسی قرار گرفته است. بارزترین این مطالعات کتاب پیچیدگی و تضاد رابرت ونتوری است. در مبحث زیبایی فرمی تحقیقات بسیاری انجام شده است که تاکید آن‌ها بر مطالعه رابطه پیچیدگی و سادگی و ارزش‌های لذت بخش محیط است.

راپورت این تحقیقات را به شرح زیر خلاصه کرده است^۱:

۱. تحقیقات روانشناسی و اکولوژیکی اخیر نشان می‌دهد که حیوانات و انسان (شامل کودکان) در میدان بصری خود شکل‌های پیچیده را ترجیح می‌دهند.
۲. دامنه ترجیح بهینه‌ای از داده‌های ادراکی وجود دارد که سادگی و پیچیدگی آشفته را در میدان بصری نمی‌پسندد.
۳. دست یافتن به آشفتگی دو راه حل دارد: یکی از طریق ابهام (به مفهوم چند معنایی نه مشخص نبودن معانی) و دیگر با استفاده از محیط‌های متنوع و غنی از یک منظر که به طور کامل دیده نشوند، به گونه‌ای که در عین آشکار کردن خود ویژگی رمزی داشته باشد.
۴. بیشتر طراحی‌های مدرن سادگی و کنترل کامل بر طراحی را در نظر داشته‌اند که نتیجه متقاعد کننده‌ای در بر نداشته است.

پیچیدگی از چند طریق قابل اندازه‌گیری است: تعداد عناصر یک نظام، تازگی و شگفتی آور بودن، الگوهای بافت و سطوح نظم عناصر از آن جمله‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که یادگیری و تجربه در چگونگی ادراک سطوح و میزان پیچیدگی تاثیر گذار است (لنگ، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

پیچیدگی بصری محیط‌ها به چگونگی جالب بودن آن‌ها و اینکه اندازه‌گیری ذهنی یا عینی شده‌اند و مدت زمانی که مردم به الگوها توجه می‌کنند بستگی دارد (Smelts, 1971 & Whole Will, 1981). رابطه بین جالب بودن و پیچیدگی، و بین پیچیدگی و خوشایند بودن در شکل زیر نشان داده شده است (جان لنگ، ۱۳۸۳: ۲۲۴) نمودار شماره (۱).



نمودار ۱: رابطه بین پیچیدگی و دلپذیر بودن و جالب بودن

ماخذ: (ایروانی، ۱۳۷۱)

هرچه فرد مدت طولانی‌تری یک الگوی پیچیده را بیازماید الگوی مذکور خوشایندتر می‌شود. این آزمون می‌تواند برای جبران تثبیت اصول نظم انجام شود (Nasser, 1985). بر طبق نظریه اطلاعات زیبایی شناسی، و همچنین بنا به نظر آرنه‌ایم (1997)، اگر سطوح بالای پیچیدگی منظم دریافت شوند نسبت به عدم وجود نظم، الگوها خوشایندتر ارزشیابی می‌شوند. آن تینگ (1975) این فرضیه را مطرح کرده است که ترجیح پیچیدگی و سادگی توسط مردم دوره‌هایی دارد؛ اکنون در دوره‌ای قرار داریم که پیچیدگی بیشتری را می‌طلبند و طلب پیچیدگی به وضعیت فردگرایی شخص یا جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند وابسته است (همان).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت، در صورتی که تضاد و پیچیدگی در یک فضای شهری به گونه‌ای استفاده شود که نظم کلی فضا حفظ شود نه تنها باعث آشفتگی نمی‌شود بلکه از یکنواختی جلوگیری کرده و فضا را دلپذیرتر می‌نماید. البته این موضوع تا حدود زیادی به دیده شدن عناصر متضاد در کنار یکدیگر ارتباط دارد و نظم بصری زمانی حاصل می‌شود که بتوان عناصر متضاد را دید و در ذهن به تجزیه و تحلیل رابطه بین آن‌ها پرداخت. با این زمینه نظری از جایگاه تضاد در زیبایی‌شناسی فرم در ادامه این تحقیق سعی شده است با اتخاذ راهکارهایی فضای شهری میدان بهارستان تهران با عناصر ساختاری متضاد و متباین را به فضای شهری متنوع و سرزنده تبدیل شود.

۳. بررسی و تحلیل فرمی تضاد در عناصر ساختار بصری میدان بهارستان

میدان بهارستان که در زمان قاجار، فضای مرکزی میان سه باغ نگارستان، بهارستان و نظامیه بوده، به دلیل تاسیس مجلس در این محدوده و سپس به توپ بسته شدن آن و وقایع نهضت ملی شدن صنعت نفت، از اهمیت سیاسی، اجتماعی و تاریخی برخوردار است. این میدان در قلب پایتخت ایران، شهر تهران قرار دارد و از قدیمی‌ترین و خاطره انگیزترین میدان‌های تهران است. از این رو با توجه به عملکردهای میدان (میدان حکومتی، میدان تاریخی و...) جهت تمایز و تشخیص آن از دیگر فضاهای شهر می‌توان از پتانسیل‌های تضاد در این زمینه استفاده کرد. مهم‌ترین عناصر فرمی که در ساختار بصری میدان بهارستان زمینه تضاد را فراهم می‌آورند سه ساختمان مجلس ملی، مسجد سپهسالار و ساختمان مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

ساختمان مجلس ملی: این بنا در سال ۱۲۵۱ به شکل مستطیل در ضلع شرقی میدان شکل گرفته است و به عنوان یکی از بناهای دوره قاجاریه در تهران می‌باشد (دوره قاجاریه).

مدرسه و مسجد شهید مطهری (سپهسالار): در سال ۱۲۹۶ (ق.ه) میرزا حسین خان سپهسالار دستور ساخت مسجدی را در جنوب شرقی میدان بهارستان داد که یکی از زیباترین بناهای شهر تهران به‌شمار می‌رود (اواخر قاجاریه و ابتدای پهلوی اول).

ساختمان مجلس شورای اسلامی: طرح ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ مطرح شد. طرح از مهندس مؤید با پلان دایره‌ای شکل بود که آن طرح مردود اعلام شد؛ اما در سال ۱۳۵۵ طرح مجلس در دستور کار قرار گرفت. فرم جدید به شکل هرم و مثلث سه قوه را تداعی می‌کند. رأس مثلث روی ساختمان مرتفع اداری است و هر چه به طرف کمیسیون‌ها پایین می‌آید دوبال آن باز می‌شود. ارتفاع هرم ۴۵ متر است. طراحی داخلی بنا مبتنی بر معماری ایرانی است. سقف‌ها گچ‌کاری با دست است و در آن از مقرنس‌کاری البته به صورت مدرن استفاده شده است (دوره پهلوی دوم و انقلاب اسلامی).

البته عناصر ساختاری دیگری نیز در میدان بهارستان وجود دارد ولی به دلیل اهمیت این سه عنصر و نوع ارتباط بین آن‌ها به بررسی این عناصر پرداخته شده است.

مسجد سپهسالار و مجلس شورای ملی چنان در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که تضاد در فرم پلان و فرم ظاهری آن‌ها را کمتر کسی درک می‌کند این نمونه‌ای از بکارگیری تضاد در عین نظم در فضای شهری را نمایان می‌سازد. اما با ساخته شدن مجلس شورای اسلامی به شکل هرم و ارتفاع ۴۵ متری و مقیاس فراتر از مقیاس انسانی که در دو عنصر قبلی رعایت شده بود اکثر طراحان شهری را به نقد این اثر واداشت. در صورتی که اگر در این ساختمان نیز از مقیاس و فرم‌های قبلی استفاده می‌شد نوعی یکنواختی در فضای شهری میدان بهارستان حاکم می‌شد حال آنکه این مجلس با این فرم ظاهری و متضاد علاوه بر پیچیدگی در عین سادگی فرم هرم جالب و دلپذیر می‌باشد. نقد اصلی وارد شده به این بنا در تقابل قرار گرفتن آن با زمینه می‌باشد طراح سعی نموده با بکارگیری تضاد و تباین تنوع بیشتری را در میدان ایجاد کند. بدین ترتیب سه نوع تفکر معماری از سه دوره ایران در سطح میدان جلوه پیدا کرده است. نکته اساسی در این است که چون این سه بنا در فواصل مختلف قابل رویت در کنار یکدیگر نمی‌باشد و عناصر زمینه به خوبی عمل نکرده‌اند این استنباط را در ذهن ایجاد می‌کند که این بنا به تقابل با زمینه می‌باشد. در صورتی که در طراحی این بنا سعی شده نمونه‌هایی از الگوهای معماری مجلس شورای ملی معماری استفاده شده و نوعی هماهنگی با زمینه را تداعی کند هماهنگی با زمینه الزاماً تکرار مقیاس و فرم‌ها نمی‌باشد بلکه کنار هم قرار گرفتن عناصر متنوع ولی منظم است که هماهنگی را ایجاد می‌کند.

در معماری ایران نمونه‌های زیاد از تضاد با زمینه دیده می‌شود از جمله در میدان نقش جهان اصفهان که مقیاس تغییر کرده و سکانس جدیدی در بافت ایجاد شده است. این تضاد و تباین در عناصر درون میدان هم مشاهده می‌شود. عملکردهای میدان نقش جهان به عنوان (میدان حکومتی، مذهبی و ...) یکی از عوامل ایجاد این تضاد و تباین در فضای شهری شده است. البته از آنجا که در میدان بهارستان این تغییر مقیاس در سطح امکان پذیر نبوده در فرم و ارتفاع اعمال شده است. شاید در نگاه اول این مقایسه اشتباه به نظر برسد ولی ذکر این نکته نیز ضروری است که هر دوره‌ای مقیاس و پاسخ دهندگی‌های خود را از فضای شهری می‌طلبد. اگر ساختمان مجلس شورای اسلامی مانند دو

۵. بکارگیری تضاد در جزئیات فضا

علاوه بر کلیت فضا، تضاد در جزئیات نیز می‌تواند باعث تنوع و سرزندگی شود. با توجه به قرارگیری بناهای حکومتی در اطراف میدان بهارستان و نقش اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن لزوم ایجاد نوعی تغییر در جهت منحصر به فرد کردن این میدان حس می‌شود. این تغییر می‌تواند از طریق ایجاد نوعی تضاد در اجزای کالبدی تشکیل‌دهنده فضای شهری (کف، بدنه و عناصر مستقر در فضا) ایجاد گردد.

ایجاد تضاد در کف: اکثر میدان‌ها در ایران هویت خود را به عنوان فضای شهری که غلبه در آن با وجود پیاده‌روها می‌باشد با فلکه و غلبه حرکت سواره عوض کرده‌اند، از این رو هنگامی که میدانی بخواهد به عنوان قلب سیاسی یک کشور عمل کند می‌بایست نوعی هویت و ویژگی منحصر به فرد را جهت حضور مردم دارا باشد. در میدان بهارستان جهت ایجاد فضای شهری پویا که بتواند حضور مردم و رجال حکومتی را در کنار یکدیگر داشته باشد؛ قدم اول ایجاد تغییراتی در کف میدان می‌باشد. البته باید خاطر نشان کرد که این راهکارها در قالب طرحی که برای کلیت میدان در نظر گرفته می‌شود معنا پیدا می‌کند. به نظر می‌آید یکی از مهم‌ترین گام‌ها تبدیل بهارستان به یک میدان پیاده می‌باشد.

۱- تضاد در کف می‌تواند از طریق اختلاف سطح و جدایی‌گزینی نظام‌های حرکتی در میدان باعث تنوع شود. بدین صورت که در کف ترازهای مختلفی ایجاد کرد به طوری که میدان بهارستان در تضاد با دیگر میدان‌های شهر از شخصیت منحصر به فردی برخوردار شود.

۲- استفاده از رنگ، مصالح و نقش آن‌ها نیز راهکار دیگری جهت ایجاد تضاد در کف میدان می‌باشد به طوری که همگان میدان بهارستان را با رنگ یا نقش کف بکار رفته در آن بازشناسند.

۳- راهکار دیگر استفاده از پوشش گیاهی متضاد در کف می‌باشد. (باغچه‌ها، درختان و درختچه‌ها و ..) از عناصر طبیعی شکل‌دهنده به کف می‌باشند که چهره متضاد و در عین حال متنوع به میدان بهارستان می‌بخشند.

ایجاد تضاد در بدنه‌ها: بدنه‌ها به عنوان عناصر عمودی شکل‌دهنده فضا نقش مهمی در معرفی فضا به بیننده القا می‌کنند. بکارگیری فرم‌های متضاد، رنگ‌های خاص، نوع الحاقات، مصالح و بافت منحصر به فرد و متضاد از مواردی است که می‌توان از آن در بهبود فضای شهری بهارستان استفاده کرد.

فرم بدنه‌ها: ایجاد تغییرات در بدنه‌ها از طریق ایجاد ورقه‌هایی در بدنه‌ها در طبقه همکف و استفاده از ریتم‌های معماری خاص و تزئینات متضاد با میادین دیگر در بدنه‌ها از عوامل مهم در بهبود فضای شهری میدان ایفا می‌کند.

رنگ در بدنه‌ها: بکارگیری رنگ متضاد با زمینه در بدنه‌ها علاوه بر تغییر سکانس فضایی از نظر ناظر نوعی عامل هویت بخش به میادین عملکردی مانند بهارستان می‌باشد.

مصالح: بکارگیری مصالح متضاد در نمای جداره‌ها از دیگر عواملی است که می‌تواند در هویت بخشی فضای شهری به کار رود. به طوری که اگر در نماهای میدان بهارستان از مصالح با بافت و رنگ خاص و متضاد از زمینه استفاده شود علاوه بر تعریف فضای میدان، باعث تنوع در فضای میدان می‌شود. باید یادآور شد که همه این پیشنهادها باید در قالب حفظ وحدت کلیت میدان انجام شود.

تضاد و تنوع در مبلمان: مبلمان به کار رفته در فضای شهری از عوامل دیگریست که می‌تواند هویتی متضاد را به میدان بهارستان بخشد. استقرار مبلمان متناسب با عملکرد سیاسی و اجتماعی از دیگر راهکارهای استفاده از تضاد در بهبود فضای شهری میدان بهارستان خواهد بود. بکارگیری تضاد در عناصر مستقر در فضا (اندازه، مصالح، تناسب‌ها، رنگ، شکل و اتصالات) از دیگر عواملی است که می‌تواند در بهبود فضای شهری میدان بهارستان مورد استفاده قرار گیرند و هویتی جدید را برای میدان بهارستان به ارمغان آورند.

۶. جمع بندی

با توجه به نکات مطرح شده در این تحقیق استفاده از تضاد در فضای شهری نه تنها همیشه دلیل بر تقابل با زمینه نمی‌باشد بلکه استفاده صحیح و به جا از آن‌ها می‌تواند باعث تنوع، سرزندگی و دلپذیر شدن محیط شود. گاهی اوقات نیز این تضادها در صورت دیده شدن در یک محور مشخص می‌تواند درک کامل‌تری از فضا را به بیننده القا کند. به

طور کلی مفهوم تضاد نزدیکی زیادی به تنوع، به عنوان یکی از مهم‌ترین کیفیت‌های فضای شهری دارد. همان‌طور که در طی مقاله بررسی شد تحقیقات روانشناسی نیز به لزوم ایجاد تضاد در فضاهای شهری صحنه گذاشته‌اند. استفاده از تضاد در بهبود فضای شهری هم در کلیات قابل اجراست و هم در جزئیات. میدان بهارستان یکی از بهترین نمونه‌های میدانی تاریخی ایران است که پتانسیل‌های تضاد را با خود به همراه دارد. مرور زمان و تفکرات حاکم در هر دوره نقش موثری در شکل‌گیری این زمینه داشته است. به ویژه این که این میدان دارای ماهیتی سیاسی- اجتماعی بوده و هر گونه تلاش در تغییر ساختار میدان برآیند تفکر زمانه خود بوده است. این نقش روایتگری میدان بهارستان در بیان تضاد بین سه عنصر اصلی ساختار بصری میدان، وجهی مهم در ایجاد تنوع بصری در کلیت فرمی میدان است. لذا در طرح‌های ساماندهی میدان باید بر دیده شدن همزمان این سه عنصر با هم تاکید گردد. این پتانسیل تضاد می‌تواند به درون میدان و جزئیات آن هم وارد شده و شخصیت و هویت میدان بهارستان را از دیگر فضاهای شهر متمایز کند. بدیهی است همه این پیشنهادها در قالب طرح کلی ساماندهی میدان مورد بررسی قرار گیرد جدول شماره (۱).

جدول ۱: راهکارهای کلی جهت استفاده از تضاد در جهت تنوع بیشتر میدان بهارستان

بکارگیری تضاد در جزئیات جهت بهبود فضای شهری میدان بهارستان		بکارگیری تضاد در کلیات جهت بهبود فضای شهری میدان بهارستان
راهکارها	تضاد در کف	راهکار
استفاده از اختلاف سطح جهت ایجاد تضاد در فضای شهری	تضاد در بدنه‌ها	تعیین ارتفاع بهینه برای بدنه‌های میدان جهت دیده شدن سه عنصر در کنار یکدیگر
استفاده از رنگ و مصالح متضاد در کف		
استفاده از پوشش گیاهی متضاد در کف		
استفاده از فرم متضاد	تضاد در عناصر مستقر در فضا	
استفاده از رنگ متضاد		
استفاده از مصالح متضاد و هماهنگ در بدنه‌ها		
استقرار مبلمان متضاد با میدانی دیگر (نظر) اندازه، مصالح، تناسب‌ها، رنگ، شکل و اتصالات)		

منابع

- ارباب جلفایی، آرش (۱۳۷۹) "مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا" مجموعه مقالات گردآوری و ترجمه شده، اصفهان، نشر خاک.
- ایروانی، محمد و محمدکریم خداپناهی (۱۳۷۱) "روانشناسی احساس و ادراک" تهران، انتشارات مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاه‌ها.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری" تهران، انتشارات شهیدی.
- دانیس، دونیس (۱۳۷۵) "مبانی سواد بصری" مسعود سپهر، تهران، انتشارات سروش.
- فون مایس، پیر (۱۳۸۴) "عناصر معماری از فرم به مکان" مجتبی دولتخواه، تهران، ملاتک.
- کالن، گوردن (۱۳۷۷) "گزیده منظر شهری" منوچهر طبیبیان، تهران، دانشگاه تهران.
- گروتز، یورگ (۱۳۸۳) "زیبایی‌شناسی در معماری" جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- گیدئین زیگفرید (۱۳۷۴) "فضا زمان معماری" منوچهر مزینی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- لینچ، کوین (۱۳۵۵) "سیمای شهر" منوچهر مزینی، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- لنگ، جان (۱۳۸۱) "آفرینش نظریه معماری" علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- هدمن ریچارد و آندرو یازوسکی (۱۳۷۰) "مبانی طراحی شهری" راضیه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

- Carmona, Matthew (2006) "Public Places - Urban Spaces" London, Architectural Press.
- Kier, Rob (1979) "Urban Space" London, Academy Edition.
- Mouthing Cliff (2003) "Urban Design: Ornament and Decoration" London, Architectural Press.
- Mouthing Cliff (2003) "Urban Design: Street and Square" London, Architectural Press.